

۶ دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ – شماره ۱۴۴۳ – سال چهل و هشتم

انسان برای یک زندگی سالمندم و خدایسند، نیازمند الگو و سرمشقّی مطمئن است و در این مسیر طالب و روحانیون که خود خداوند را خداگرایِ در عالم می‌باشند، به چنین الگویی سزاورترند. مطابق آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دینی و ائمه معصومین(ع)، نیکوترین و مناسب‌ترین الگو «رسول گرامی اسلام(ص)» است. به یقین، تبعیت از آن حضرت می‌تواند روحانی را اولا برای دست یابی به حیات طیبه در رفتارهای فردی و اجتماعی دنیوی و سعادت اخروی خود و ثانیاً برای راهنمایی دیگران در این مسیر رهنمون سازد. پیامبر خدا(ص) به دلیل داشتن «خلقٌ عظیم» و «رحمةٌ للعالمین»، نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها به ویژه هادیان جامعه بوده است. آن حضرت به عنوان بهترین و کامل‌ترین اسوه راستین بشریت، نسبت به تمام مردم بسیار دلسو، صمیمی و مهربان بود. در راستای متخلّق بودن به اخلاق و کردار کریمانه بود که حضرت در طول ۲۳ سال نبوت توانست، دل‌های گمراه بسیاری را شیفته مکتب اسلام کند. در بیان عظمت پیامبر اکرم(ص) می‌توان گفت که خداوند برای تکریم و تجلیل مقام آن حضرت، در قرآن یا لقب‌های بی‌همتایی، مانند «یا ایها الرّسول» و «یا ایها النبی»، از ایشان یاد می‌کند. همچنین، جایگاه، عظمت و بزرگواری پیامبر اکرم(ص)، بدان حد بوده است که خداوند به وجود گرامی او چنین سوگند یاد می‌کند: «لَمَعْرُکَ اَیْنَهُمْ لَفی سَکْرَتِهِمْ بِعَمْرِهِمْ» به جانت سوگند که اینها در مستی خود سرگردانند.

علاوه بر آن، قرآن کریم، رسول گرامی اسلام(ص) را به عنوان اسب‌وای نیکو یاد نموده است که همگان باید به آن حضرت تأسّی نمایند: «لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُوْلِاللهِ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن یَّقینُ لِیَ رَاسِداً، دَر زَندَگی رَسلِ خَدا الگوئی نیکویی است». همچنین خداوند درباره آن رسول گرامی می‌فرماید: «وَإِنَّکَ لَئَلیٰ خَلقٌ عَظیم» به یقین تو اخلاق عظیم و بزرگی داری. همچنین در آیهای دیگر، خداوند مؤمنان را امر کرده است که از دستورات نبی اکرم(ص) پیروی کرده، فرامین او را به جای آوردند و آنچه را از آن باز داشته است، رها سازند: «وَ مَا آتَاکُمُ الرّسولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» در آیه دیگری اشاره نموده است: «وَ اَطِیعُوااللهَ وَ الرّسولَ لَعَلَّکُمْ تَرْحَمُونَ» و از خدا و رسول اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

همچنین، علی(ع) پیامبر خدا را الگوی شایسته پیروی معرفی می‌کند و الگودینری از ایشان را برای همگان بسنده می‌داند، چنان که می‌فرماید: «روش نبی خدا (ص) برای الگو بودن تو کافی است و پیامبر در نکوهش دین و کاستی‌های و رسولایی‌ها و بدی‌های فراوان آن راهنمای تو می‌باشد. پس، به پیامبر پاک و پاکیزه تمسک جوی که راه و رسم او الگویی برای همه الگوخواهان و مایه بزرگی است برای کسی که بخواهد بزرگواری باشد. دوست‌ترین بندۀ نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جای پای او نهد.

امام صادق(ع) هم در بیان اهمیت الگویی‌ری از پیامبراکرم(ص) فرمودند: «إِنِّی لَأَکْرَهُ لِرَجُلٍ أَن یَمُوتَ وَقَدْ یَقیْتُ عَلَیْهِ خَلَقٌ مِّنْ خَلالِ رَسُوْلِاللهِ لَمْ یَأْتِهَا سَویّت نَدَامِ مسلمانانِ بمیرد، مگر اینکه تمام آداب و سنت‌های رسول

مقدمه

حکومت پهلوی به لحاظ ماهیت خاص سیاسی، به ویژه در دو دهه پایانی عمر خود، به شرایطی قرار گرفته بود که خواه ناخواه، با دین و هر آنچه مربوط به آن است، درگیری می‌شد. به ویژه آنکه در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی بنیان تشیع به شکلی اصولی و به تدریج استوار گردیده بود. ازسوی دیگر، جریانهای فرهنگی- سیاسی چون مارکسیسم و ناسیونالیسم در دوره سپس از کودتای ۲۸ مرداد رنگ باخته، دیگر به عنوان راهکاری نجات بخش، مطرح نبودند. در این برهه تنها جریان لیبرالیستی- غربگرا – که با اتکالی به آمریکا و انگلیس و با کودتای سال ۲۲ کم از دوران سستی و ضعف خود فاصله می‌گرفت- روز به روز حضور مقتدر خود را در عرصه‌های گوناگون کشور تثبیت می‌نمود اما برای کشور مذهبی مثل ایران نمی‌توانست ایدئولوژی مناسبی باشد. از این رو رژیم پهلوی بنا به ماهیت خود و مأموریت‌هایی که غرب برای او تعیین کرده بود، می‌بایست با حاکمیت دین به مبارزه بر می‌ساخت و سازمان اجرایی آن را، یعنی نهاد مرجعیت را بر می‌انداخت. لذا تقابل میان این دو- روحانیت و رژیم پهلوی-

به دلیل تعارض شدید در اهداف و برنامه‌های آنها قابل پیش‌بینی بود. از اینجا بود که جریان فرهنگی رژیم پهلوی، با بهره بردن از امکانات نسبتاً گسترده رسانه‌ای خود در بخشهای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و حمایت مجموعه فرهنگی- تبلیغاتی سرمایه داری، در پی جذب روحانیت یا انزوای آن از جامعه ایران برآمد. چنان که این ترقدن گاهی در قالب تفرقه میان حوزه‌ها و اهل حوزه خود را نشان می‌داد. اسام خمینی در این باره می‌فرماید: «اینها از همان زمان مرحوم آقای بروجردی، اگر نگویم از چهل و چند سال پیش از این-، از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشته‌اند، منتها با بودن ایشان می‌دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از اینکه ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی، از همان اول، اینها شروع کردند

به اسسم احترام از مرکزی، گویند این مرکز راه نه از باب اینکه حُبی به آن مرکز داشته‌اند، به هیچ مرکزی از مراکز دیانت اینها احساس حُب نمی‌کنند، نه از باب اینکه به نجف علاقه داشتند، از باب اینکه هم از نمی‌خواستند. قم موی دماغ بود، نزدیک بود به اینها، مفاستد را زود ادراک می‌کرد و کارهای اینها زود برش منکشف می‌شد. اینها قم را نمی‌خواستند منتها نمی‌توانستند به صراحت لجهج بگویند نه قم، می‌گفتند: نجف آره، مشهد آره، «در قم چیزی به نظر نمی‌خورد!»؛ فهمیدند که چیزهایی به نظر می‌خورد، چیزهایی به چشم می‌خورد، چیزهایی به دهن می‌خورد، به گوش می‌خورد، فهمیدند که نه آن طور نبوده است. اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و دنبالش نفع رساندن به اسرائیل و عمال اسرائیل».

دستگاه فرهنگی رژیم پهلوی ازسوی دیگر تلاش فراوانی کرد تا با استفاده از کلاسیک‌ها و عوط و خطابه، سخنران و مبلغین تربیت کند و از این راه، به مقابله با روحانیت بپردازد. شاه و دولت از تظاهر به دینداری، برای اغفال مردم و مبارزه با دین و روحانیت نیز بهره بردند.

خدا(ص)، را [اگر چه یکبار] انجام دهد».

تربیت در سیره عملی پیامبر(ص)

جذایبت روحانی، عرفانی و معنوی فرستادگان الهی به قدری والااست که امروزه هرگاه اندیشمندان اسلام شناس، قطره‌ای از سیره تربیتی و اخلاقی آن بزرگواران را در کام تشنگان راه حقیقت می‌ریزند، آنان را مجذوب ساخته و جویندگان حق و حقیقت را گرد انبیا و اولیاءالله جمع می‌نمایند. افزون بر این، محبت و ارادت به انبیا و اولیای الهی اختصاص به مسلمانان ندارد. در میان سایر ادیان هم، اندیشمندان زیادی هستند که احادیث و روایات فراوانی در زمینه سیره علمی و عملی و فضایل فرستادگان خدا و ائمه اطهار(ع) و به خصوص پیامبر اکرم(ص) را گردآوری و بررسی نموده و منتشر ساخته‌اند. به این لحاظ، در ذیل سه ویژگی از خصوصیات و فضائل اخلاقی- علمی و سیره تربیتی پیامبر

*با بررسی دیدگاه پیامبر اکرم(ص)، می‌توان استنباط نمود که قبل از آموزش آداب و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی، باید انسانها با نکات معنوی و تربیت دینی آشنا شوند

اکرم(ص)، که بیش از همه برای روحانیان و راهنمایان جامعه دینی لازم است بررسی می‌شود.

الف) تربیت معنوی

تربیت، دارای زمینه‌ها و ابعاد مختلفی، چون معنوی، عاطفی، اجتماعی، فردی و… است. از مهمترین ابعاد تربیت، تربیت معنوی است و به عقیده اکثر اندیشمندی تربیتی، پرورش این بعد پایه و اساسی برای همه ابعاد دیگرست. این ویژگی جوهره اساسی رفتار و منش فرد دیندار به ویژه راهنمای معنوی مردم را تشکیل می‌دهد و به عنوان مهمترین عامل در ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر حوزه‌های تربیتی مطرح می‌گردد. محور اصلی در تربیت معنوی، «خدا» است و منظور از خدماتجوری،جهت‌گیری همه اعمال و رفتارهای انسان در راستای ملاک‌ها و معیارهای الهی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم‌نمودن زمینه ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است، بسیار مورد تأکید انبیا و ائمه اطهار(ع) بوده است و آن بزرگواران در تمام مسحنه‌های زندگی بیشترین اهمیت را به پرورش بعد معنوی انسان می‌توانستند. از بزرگترین ثمرات ایمان و تربیت معنوی، دست‌یابی به آرامش دل و روان آدمی است: «الَّذینَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم

بِذِکْرَالله. اَلَا بِذِکْرَاللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ آنان که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان به یاد خداوند آرام گیرد. همانا با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد».

با بررسی دیدگاه پیامبر اکرم(ص)، می‌توان استنباط نمود که قبل آموزش آداب و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی، باید انسانها با نکات معنوی و تربیت دینی آشنا شوند. این شیوه علاوه بر این که آدمیان را با مبدأ حقیقی



جهان آفرینش مرتبط می‌سازد؛ در آنان روحیه اعتماد به نفس و نیروی استقامت و پایداری در مقابل مشکلات فراوان زندگی نیز ایجاد خواهد کرد.

*با بررسی کوتاهی در سیره و تاریخ پیامبر اکرم (ص) می‌توان به این نتیجه رسید که راز موفقیت آن سرور کائنات در انجام رسالت خطیر خویش، بیش از هر عاملی، حسن خلق و رفتار نیک آن حضرت بود که سبب گسترش و نفوذ آیین وی در اعماق جان‌ها و در نقاط مختلف جهان شده است

ب) فراگیری علم و دانش

بنا به شواهد قطعی تاریخ و مطابق آیات قرآن کریم، ضمیر باطنی رسول اکرم(ص)، از تعلیم و فراگیری دانش بشری، پاک بوده است. او انسانی است که مکتبی، جز مکتب تعلیم الهی ندیده و جز از حق، دانش نیامخته است. با این حال او معلم بشر و پدید آورنده‌ار علم‌ها و دانشگاه‌ها است. و همگان را به فراگیری هر چه بیشتر دانش فرا می‌خوانده

برگی از تاریخ حوزه

مقابله امام خمینی با طرح خطرناک ساواک برای حوزه

و کنترل نمودن آنان ندارند و در واقع کیفیت را فدای کمیت و زندگی طلاب را وقف اشتهاز خود نموده‌اند.

برای خاتمه دادن به وضع نابسامان و بی‌انتظامش طبق هزار و پانصد طلبه و اصلاح امور این شعب و کنترل نمودن آنان که از لحاظ وضع زندگی و نداشتن محل مناسب مسکونی و تحصیلی به خصوص تنگ دستی که در بدترین شرایط زندگی می‌کنند و



در ماه با ماهیانه از سیصد الی یکپهزار ریال از ابتدائی‌ترین زندگی استفاده می‌کنند و به منظور تحریک بخشیدن به افراد این طبقه و از بین بردن این کانون چرکی در پیکره شهرستان قم که عناصر ناپاک بی‌وطن با پرداخت جزئی پول قادر خواهند بود طلاب را به راه دیگری بکشانند و به منظور جلوگیری از هر گونه بی‌بندی و باری

به شکل زیر می‌شود.
از ساواک قم به مدیریت کل اداره سوم
به استحضار می‌رساند که یک طبقه از اجتماع امروزی که با اصلاحات اقتصادی و پیشرفت‌های اجتماعی مخالفت‌هایی دارند و با هر گونه طرح و اصلاحی مبارزه می‌کنند، طبقه روحانیون موجود بوده که هنوز به حمایت جناح‌های دیگر امیدوار می‌باشند. این طبقه با لوایع انقضا کشیده برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام و مذهب نبویش درهم شکسته شده ولی تسلیم نگردیده و گاه بیگاه نمعه‌هایی از گوشه و کنار سر می‌دهد. گردانندگان این قشر از اجتماع که همان مراجع روحانی می‌باشند به ظاهر خود را دوست و یاور و یاور طلاب قلمداد کرده‌اند در صورتی که خود از هویت و شناسایی طلاب کاملاً آگاه نیستند و کمتر تمایلی هم به شناسایی طلاب

و لجام گسیختگی این گروه پیشنهاد می‌نماید که دولت در شهرستان قم و در جنب تشکیلات روحانیت اقدام به تأسیس دانشکده‌ای به نام «دانشکده علوم اسلامی» بنماید، با توجه به موارد زیر مزیایی نیز برای آن قائل شده که به تدریج طلاب به سوی آن کشیده شوند و با نظم نوبنی تربیت گردند تا هم دارای ارزش اجتماعی از نظر تحصیلی شوند و هم به وضع فعلی رفته رفته خاتمه داده شود و هم از نظر

و لجام گسیختگی این گروه پیشنهاد می‌نماید که دولت در شهرستان قم و در جنب تشکیلات

روحانیت اقدام به تأسیس دانشکده‌ای به نام «دانشکده علوم اسلامی» بنماید، با توجه به موارد زیر مزیایی نیز برای آن قائل شده که به تدریج طلاب به سوی آن کشیده شوند و با نظم نوبنی تربیت گردند تا هم دارای ارزش اجتماعی از نظر تحصیلی شوند و هم به وضع فعلی رفته رفته خاتمه داده شود و هم از نظر

*امام خمینی: مگر می‌شود با دانشگاه اسلامی، اسلام را شکست داد. مگر ما می‌گذاریم شما «دانشگاه اسلامی» درست کنید. ما تقسیق می‌کنیم آنکه وارد بشود در آن دانشگاه، بین ملت از بین خواهد رفت

حوزه دوره سوم- ۷۳۹

رسول اکرم(ص) اسوه حسنه

آدمی به چهل و نادانی است؟»

پیامبر خدا(ص) ارزش و جایگاه طالبان علوم دینی و الهی را چنین وصف می‌کند: «کسی که به دنبال یادگیری علوم الهی و مسائل دین‌اش اقدام کند مانند کسی است که روزها را روزه و شب‌ها را به شب زنده‌داری تا صبح پرداخته و آموختن یک ساله شرعی برای شخص بهتر از این است که به اندازه کوه ابوقیس در راه خدا خلا اتفاق نماید.

پیامبر خدا(ص)، وجود فرد دانا و عالم را در میان مردم نادان چنین توصیف می‌فرماید: «شخص دانا و فهمیده نسبت به مسائل و احکام دینی در میان مردم نادان همچون زنده‌ای است در میان مردگان و هر چیزی حتی ماهیان دریا و گزندگان و درندگان و چهار پایان برای دانشجوی علوم الهی و طلب آموزش می‌کنند، پس دانش دینی را بچونید که آن سیله پیوند میان شما و خدای عزوجل است و همانا طلب

*پیامبر (ص) مکتبی، جز مکتب تعلیم الهی ندیده و جز از حق، دانش نیاموخته است، با این حال او معلم بشر و پدید آورنده‌دار العلم‌ها و دانشگاه‌ها است و همگان را به فراگیری هر چه بیشتر دانش فرامی خوانده است

دانش دینی بر هر مسلمانی واجب است.

آن حضرت حسرت خورندگان به علم در قیامت را دو دسته معرفی کرده و می‌فرماید: «دو کس در قیامت از همه مردم بیشتر حسرت می‌خورند: ۱- مردی که در دنیا برای طلب علم دین فرصت داشته ولی به خاطر تنبلی به جستجوی آن نرفته، دیگری مردی است که دانش دین را به دیگران آموخته و آنها به آن عمل نموده و به بهشت رفته‌اند، ولی خود عمل به آن نانش نکرده و باید به جهنم برود. همچنین آن حضرت ارزش دانش مؤمن را با تعبیری زیبا چنین وصف می‌کند: «هر مؤمنی بمیرد و یک ورق کاغذ از او بماند که دانشی بر آن باشد آن ورقه روز قیامت میان او و دوزخ حائل و مانع شود و خدای تبارک و تعالی به هرحرفی که در که آن کاغذ نوشته شهری در بهشت به او دهد که هفت برابر دنیا باشد».

روحانیان از جمله بارزترین اقشار هستند که حامل این دست‌نوشته‌های پیامبر اکرم(ص) هستند، چون از یک سو دارای ارزش علم هستند و دانشمند محسوب می‌شوند و راه خدا فضیلت بیشتری دارد. این‌ها کجا به پای حضور در مجلس علم الهی می‌رسد؟ آیا ندانستهای که حیات و زنده بودن قلب به آموختن علم الهی است و مرگ و نابودی قلب

جمهوری اسلامی

استفاده نمایند می‌توانند از مواهب معنوی و الهی آن بهره‌مند باشند.

ج) مهربانی و محبت

از مجموع نیازهای آدمی، «نیاز عاطفی» از مهمترین آنها به شمار می‌آید. بدون محبت می‌توان زنده بود ولی نمی‌توان زندگی کرد. دین اسلام به محبت، خوش خلقی و برخورد نیکو با مؤمنان اهمیت زیادی داده است و مهربانی از ارزش‌های والای اخلاقی می‌داند. ابراز محبت و مهربانی با بستندگان خدا از ویژگی‌های بارز پیامبر اکرم(ص)، بوده است. سیره عملی و رفتار و معاشرت‌های فردی و اجتماعی پیامبر اکرم(ص)، مملو از مهر و رحمت و عطوفت است. آن حضرت نسبت به همه مردم، حتی نسبت به کودکان دلسوز و مهربان بود.

خداوند در آیه ۱۲۸ سوره توبه، مهربانی پیامبر اکرم(ص) را در برابر مؤمنان، چنین بیان می‌کند: «عَزَّیْرَ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیْضٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رُؤُوفٌ رَّحِیْمٌ» به رنج افتادنتان بر او گران و دشوار است، به شما دلبسته است و به مؤمنان دلسوز و مهربان.

در مقابل، در آیه دیگری جدیت و سرسختی آن حضرت را در برابر کافران ذکر می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُاللهِ وَالَّذِیْنَ مَعَهُ اَشْیَءٌ عَلَی الْکُفَّارِ حُمْأٌ بَیْنَهُمْ» محمّد فرستاده خداست و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت و در میان خود مهربانند.

گرچه خوش خلقی در هر جا و هر زمانی مورد ستایش از سفارش‌های حضرت رسول(ص) است، اما رفتار نیکو در خانه و خوش رفتاری با اعضای خانواده سفارش ویژه پیامبر اکرم (ص) بوده، به گونه‌ای که یکی از شاخص‌های افراد نیک، برخورد مناسب و نیکو با خانواده است. آن حضرت در روایتی فرمودند: بهترین مردم از نظر ایمان، کسی است که دارای نیکوترین اخلاق باشد و لطیف‌ترین رفتار را با خانواده‌اش داشته باشد و من لطیف‌ترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم.

در روایت دیگری، به نقل از یکی از همسران آن حضرت آمده است: کسی خوش خلق‌تر از پیامبر(ص) نبود. هیچ کس از اصحاب و خانواده‌اش او را صدا نمی‌کرد، مگر اینکه آن حضرت در پاسخ او لبیک می‌گفت. رحمت و محبت پیامبراکرم (ص) به نحوی وسیع و بی‌پایان بوده است تا آنجا که عملا به دوستان و پیروان خود در سطحی بسیار وسیع، درس احسان و محبت را می‌موخت.

با بررسی کوتاهی در سیره و تاریخ پیامبر اکرم (ص) می‌توان به این نتیجه رسید که راز موفقیت آن سرور کائنات در انجام رسالت خطیر خویش، بیش از هر عاملی، حسن خلق و رفتار نیک آن حضرت بود که سبب گسترش و نفوذ آیین وی در اعماق جان‌ها و در نقاط مختلف جهان شده است. رسول مکرم اسلام(ص) با این راهکار که از کلام وحی آموخته بود، نه تنها انسان‌های مستعد و آماده هدایت را جذب می‌کرد، بلکه دشمنان قسم خورده‌اش را نیز تبدیل به دوستان صمیمی می‌نمود هر فرد و نهادی بخواهد این را بیاموزد باید چنین کند و روحانیان به عنوان هدایت‌داران دین و نمایندگان پیامبر(ص) این صفات اولی و سزاوارترند.

۱۲. بعد از امتحان کنکور طلابی که

موفقیت حاصل نمودند از طرف وزارت آموزش و پرورش آخذ مدرک آنان تثبیت گردد.

۱۳. طلابی که مرحله مقدماتی را پایان داده‌اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال اول دانشکده مشغول تحصیل در رشته انتخابیه می‌گردند.

۱۴. طلابی که مرحله سطح را طی کرده‌اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال دوم دانشکده، رشته انتخابیه را دنبال می‌کنند.
۱۵. طلابی که مرحله خارج را طی کرده‌اند پس از موفقیت در امر کنکور در سال سوم دانشکده، رشته انتخابیه را به پایان رسانیده و موفق به آخذ دانشنامه لیسانس گردیده و از مزایای قانونی آن استفاده خواهند کرد.
اینک مزایای این اقدام را به استحضار می‌رساند.

الف) ابتداء موقعیت فعلی مراجع از جهت پولی که به طلاب می‌دهند متزلزل و طبیعتاً موجبات تضعیف آنان فراهم می‌گردد.

ب) طلاب این دانشکده با مقررات موضوعه که جهت آنان وضع شده آشنا و خود و دانشکده می‌رساند.

*ساواک: (با تأسیس دانشکده اسلامی) ابتداء موقعیت فعلی مراجع از جهت پولی که به طلاب می‌دهند متزلزل و طبیعتاً موجبات تضعیف آنان فراهم می‌گردد

مزبور را مطابق و همپایه دانشکده‌های دیگر کشور مشاهده می‌نمایند.

ج) این دانشکده در تمام ممالک اسلامی معروفیت خاصی پیدا می‌کند و از جنبه‌های مختلف تأسیس آن روح سازگاری دولت را با روحانیت تثبیت و انعکاس آن در کشورهای دیگر اسلامی نیز بسیار مطلوبی خواهد داشت.
د) زندگی طلاب بالاتکلیف و نابسامان به وجه احسن رو به بهبودی خواهد گرایید و تحت تأثیر افکار آلوده و… مراجع قرار نخواهد گرفت.

ه) توجه فرد فرد آنان (به مراحم) شاهانه بیش از پیش معطوف و با کمال از اقدامی چنین بزرگ، شاکر و سپاسگزار خواهند بود.

با توجه به پیشنهاد معروضا و تشریح خصائص تأسیس دانشکده علوم اسلامی در این شهرستان، مقرر فرمائید پس از بررسی‌های لازم اوامر عالی را در این خصوص امر به ابلاغ فرمایند.

رئیس ساواک قم- مهرا‏ن واکنش امام خمینی
در پی چنین طرح‌هایی رژیم در صدد بر آمد آن را اجرایی کند. امام خمینی به محض مطلع شدن از چنین طرحی به مقابله با آن برخاست و آن را به استهزاء گرفت. حضرت امام در فروردین ۱۳۴۳ در این باره می‌فرماید: «می‌خواهند آقایان- خنده دارد واقعا این حرف‌ها- می‌خواهند آقایان دانشگاه اسلامی تأسیس کنند، شنیدهام چندین میلیون هم

در پی چنین طرح‌هایی رژیم در صدد بر آمد آن را اجرایی کند. امام خمینی به محض مطلع شدن از چنین طرحی به مقابله با آن برخاست